

شیخ احمد تجانی و طریقت تجانیه^۱

مرتضی خسروشاهی

دانش‌آموخته دکتری عرفان و تصوف، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

محمدجواد شمس^۲

استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

چکیده

تجانیه، سلسله عرفانی منسوب به شیخ احمد تجانی (۱۱۵۰-۱۲۳۰ق)، که به همت او در ۱۱۹۶ق بنیان نهاده شد، یکی از بزرگ‌ترین طریقت‌های صوفیه در شمال آفریقا است که نقش مهمی در نشر اسلام و جذب بسیاری از مسلمانان این منطقه داشته است. شیخ احمد در نوجوانی قدم در طریق سلوک نهاد، و پس از تشریف به مهم‌ترین طریقت‌های موجود زمان خویش همچون: قادریه، ناصریه و خلوتیه و دریافت اجازه تلقین ذکر، سرانجام در سال ۱۱۹۶ق مدعی شد که از جانب نبی مکرم اسلام (ص) مأمور به تأسیس طریقتی شده است که بعدها آن را طریقت تجانیه یا ابراهیمیّه نامید. هم‌اکنون پیروان این طریقت در کشورهایایی چون: الجزایر، مصر، سودان، نیجریه، نیجر، موریتانی، تونس، غنا، مالی و کنیا فعالیت دارند. از اهم اصول طریقتی این سلسله می‌توان به اذکار خاص آنان که عبارت است از ذکر استغفار، لا اله الا الله، صلوات بر نبی مکرم و نیز ذکر روز جمعه و صلاة الفاتح و جوهره الكمال اشاره کرد.

کلید واژه‌ها

تصوف، طریقت، تجانیه، شیخ احمد تجانی، آفریقا.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۰

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): shamsmohammadjavad@yahoo.com

۱. مقدمه

تصوف در آفریقا از جایگاه متفاوت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پدیده که در قرن پنجم هجری و از طریق اندلس وارد مراکش شد، موجبات گسترش اسلام در آفریقا را فراهم آورد. رباطها و زوایای صوفیان در آفریقا نقش مؤثری در زمینه فرهنگ و تربیت اسلامی بر عهده داشت؛ و به علاوه، ملجأ و پناهگاه مسلمانان در مصائب و بلاهایی همچون فقر و بیماری و پایگاهی برای مبارزه با حکام جور و استعمارگران شمرده می‌شد. طریقت‌هایی چون قادریه و شاذلیه و پس از آن تجانیه، جزولیه و احمدیه علاوه بر اهتمام فراوان به نشر معارف عرفان اسلامی و تربیت دینی، در مبارزه با استعمارگران نیز پیشگام بوده‌اند. به همین مناسبت، طریقت‌های عرفانی در این مناطق از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردار است؛ تا آنجا که امروزه شمال آفریقا از متراکم‌ترین مناطق صوفی‌نشین در جهان اسلام به شمار می‌آید. قادریه، شاذلیه و تجانیه از مهم‌ترین طریقت‌هایی است که در این سرزمین جمعیت قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. طریقت تجانیه گرچه متأثر از قادریه و شاذلیه بوده و به لحاظ تاریخی متأخر از آنها است، گسترش چشم‌گیری یافته است. تجانیه به‌رغم وجود جریان‌های وهابی و تکفیری در جهان اسلام که سابقه‌ای دیرین در تکفیر تجانیه داشته‌اند و نیز وجود طریقت‌های رقیب که از سابقه و نفوذ بیشتری برخوردار هستند؛ توانسته است سیطره قابل توجهی بر مناطق آفریقایی به دست بیاورد تا جایی که برخی معتقدند ۶۰ درصد مسلمانان غرب آفریقا بر طریقت تجانیه هستند.

۲. شرح احوال شیخ احمد تجانی

ابوالعباس احمد بن محمد بن مختار بن احمد بن محمد بن سالم تجانی، مؤسس طریقت تجانیه در سال ۱۱۵۰ق مطابق با ۱۷۳۷ میلادی در روستای «عین ماضی» واقع در جنوب الجزایر فعلی چشم به جهان گشود.^۱ چنانکه برخی گفته‌اند،^۲ جد چهارم او، محمد بن سالم، از قبیله

۱. مخلوف، قاسم، شجرة نور الذکيه فی طبقات المالکيه، تعلیق و حواشی عبدالمجید خیالی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲. الدخیل الله، علی بن محمد، التجانیه، دارالطیبه، ریاض، بی تا، ص ۴۱؛ حرازم، علی، جواهر المعانی و بلوغ الامانی فی فیض سیدی احمد التجانی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۷م / ۱۴۱۷هـ، ص ۲۳؛ سکریح، احمد

«بنی توجین» در عین ماضی، همسری اختیار کرد و در آنجا اقامت گزید؛ و به همین مناسبت، نسبت تجانی یافت.^۱ برخی، نسب او را به امام حسن (ع) رسانده‌اند؛^۲ البته برخی نیز در این انتساب تردید کرده‌اند.

پدرش، ابو عبدالله محمد بن مختار (متوفی ۱۱۶۶ق)، از بزرگان و عالمان دین و مادرش عایشه، دختر محمد بن سنوسی تجانی، از زنان پاکدامن و صالح زمان خود بود. شیخ احمد تجانی در همان سنین نوجوانی ۱۶ سالگی - پدر و مادر و تعدادی از برادران و خواهران خویش را به دلیل ابتلای آنان به بیماری طاعون از دست داد؛^۳ و خود اداره خانواده خویش، یعنی تنها برادرش، محمد (ملقب به ابن عمر)، و نیز خواهرش، رقیه، که از لحاظ سن از او بزرگتر بود، متکفل شد.^۴ او در همان بدو بلوغ ازدواج کرد و صاحب دو فرزند پسر به نام‌های محمد کبیر (متوفی ۱۲۳۸ق) و محمد حبیب (متوفی ۱۲۶۹ق) شد.^۵

شیخ احمد در هفت سالگی نزد استادانی همچون ابو عبدالله محمد بن حمو تجانی و شیخ عیسی عکاز مضاوی تجانی، به حفظ قرآن پرداخت؛^۶ و پس از تحصیل دانش‌های مقدماتی نزد پدرش، ابو عبدالله محمد بن مختار ماضوی، در محضر استادانی همچون شیخ مبروک بن بعافیه مضاوی تجانی؛ محمد بن حمو تجانی ماضوی و شیخ سجالماسی تلمذ کرد و پس از چندی بر کرسی تدریس و فتوا تکیه زد؛ و با آنکه پس از پدرش، مسؤولیت زاویه عین ماضی را بر عهده گرفت؛^۷ همچنان به کسب معارف الهی نزد بزرگان ادامه داد؛ و برای استفاده از محضر مشایخ طریقت، به مناطق مختلفی مسافرت کرد؛ از جمله در فاس،

بن العیاشی، کشف الحجاب عن تلافی مع الشیخ التجانی من الاصحاب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۹م/ ۱۴۲۰ق، ص ۱۰.

۱. موید العقبی، صلاح، الطرق الصوفیه والزوايا بالجزائر، بیروت، دارالبراق، ۲۰۰۲م، ص ۱۷۵.

۲. حرز ام، جواهر المعانی، ج ۱، ص ۲۶؛ جوسقی، النفعۃ القدسیه فی سیرة الاحمدیة التجانیة، بیروت، مکتبه الثقافه، ص ۱۰۴.

۳. محمد بن عبدالله بن حسنین، الفتح الربانی فیما یحتاج الیه المرید التجانی، بیروت، المکتبه الثقافه، بی تا، ص ۷.

۴. رک. سکریج، کشف الحجاب، ص ۱۲.

۵. الدخیل الله، ص ۴۱.

۶. حرز ام، ج ۱، ص ۲۴.

۷. همانجا.

به ملاقات بزرگانی چون: شیخ طیب بن محمد ملیحی، محمد بن حسن وانجلی، ابو عبدالله محمد بن عبدالله تزانی و همچنین شیوخ طریقت طواشیه و قادریه نایل آمد و نزد آنان تلقین ذکر یافت و در سفر به مکه مکرمه^۱ با مشایخی چون: شیخ ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمن ازهری، شیخ طریقت خلوتیه، شیخ عبدالرحمن رحوی، شیخ محمود کردی و شیخ ابو عبدالله محمد ابن عبدالکریم دیدار کرد؛ همچنین با شیخ عبدالله بن عربی، شیخ ابو عبدالله محمد بن عبدالله تزانی، شیخ ابوالعباس احمد الحبيب بن محمد، شیخ احمد طواش و شیخ احمد ابن عبدالله الهندی.

او سرانجام در سال ۱۱۹۶ق - در سن ۴۶ سالگی - به دیار خود بازگشت و در روستای «ابن صمغون» اقامت گزید و به ارشاد خلق مشغول شد؛^۲ و در همین ایام بود که طریقت تجانیه را بنیان نهاد؛ و این طریقت را «الطریقه الاحمدیه المحمدیه الابراهیمیه الحنفیه التجانیه» نامید؛^۳ و شاگردان و مریدان بسیاری تربیت کرد، که مهم ترین شاگردان و جانشینان وی عبارت اند از: حاج علی حرازم براده (متوفی ۱۲۱۷ق)، یکی از بزرگترین خلفای شیخ احمد تجانی که در منابع این طریقت از او به «اکبر خلفاء الشیخ» یاد شده است؛ محمد بن عربی تازی دمرای (متوفی ۱۲۱۴ق)، یکی دیگر از خلفا و شاگردان شیخ احمد تجانی، که نزد او از منزلت ویژه ای برخوردار بود.^۴ شیخ محمد پیش از استاد خود، شیخ احمد تجانی، در روستای عین ماضی وفات یافت؛^۵ شیخ علی تماسینی (متوفی ۱۲۶۰ق)، از دیگر خلفای شیخ احمد تجانی، که کرامات و خوارق عادات زیادی به او نسبت داده اند. او بعد از شیخ احمد تجانی به عنوان قطب و جانشین وی برگزیده شد؛ و سرانجام نیز در تماسین درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد؛^۶ شیخ ابراهیم ریاحی

۱. همان، ج ۱، ص ۳۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۰.

۳. فوتی، عمر بن سعید، رماح حزب الرحیم علی محور حزب الرحیم، در حاشیه جواهر المعانی و بلوغ مکتبه الکلیات الازهریه، ۱۳۹۷، ص ۱۵۱.

۴. «وکان لسیدنا مزید اعتناء بشانه لان النبی صل الله علیه و سلم اوصاه به فکان رضی الله عنه یزوره فی حیاته و بعد مماته فی قبره...»، سکریح، کشف الحجاب، ص ۷۷.

۵. همان، ص ۷۸.

۶. همان، ص ۹۸.

(متوفی ۱۲۶۶ق) نیز از شاگردان و خلفای خاص شیخ احمد تجانی و جامع علم و عمل بود و پس از استادش به دستگیری و ارشاد اهل طریقت پرداخت. او هفدهم رمضان ۱۲۶۶ق در تونس وفات یافت و همانجا به خاک سپرده شد. قبر و بارگاه او در تونس هم اکنون نیز زیارتگاه پیروان طریقت تجانیه است؛ سید محمد بن مشری (متوفی ۱۲۲۴ق)؛ نیز از خواص اصحاب تجانی بود و سمت کتابت رسائل و کلمات او را بر عهده داشت. از ایشان دو کتاب به نامهای *الجامع لما افترق من العلوم* و *نصرت الشرفاء فی الرد علی اهل الجفاء* بر جای مانده است. او در سال ۱۲۲۴ق در صحرا دیده از جهان فرو بست.^۱

شیخ عمر بن سعید بن عثمان فوتی سنگالی ازهری تجانی (متوفی ۱۲۸۲ق) نیز از خلفای عالم و مجاهد شیخ احمد بود. از او چهار کتاب بر جای مانده است که عبارت است از: ۱. *رمح حزب الرحیم علی نحور حزب الرجیم*؛ ۲. *سیوف السعید*؛ ۳. *سفینه السعاده*؛ ۴. *الفزاری*. او سر انجام در سال ۱۲۸۲ق در مبارزه با وثنیون از دنیا رفت.^۲

به هر حال در نتیجه کوشش شیخ احمد تجانی و مریدان و خلفای او، این سلسله گسترش بسیاری در شمال آفریقا و برخی دیگر از سرزمینهای اسلامی، از جمله مراکش، سودان، نیجریه، موریتانی، مالی، نیجر، ساحل آج، مصر، تونس، الجزیره، فلسطین، سوریه، سومالی و عراق یافت و اکنون جمعیتی بالغ بر ۱۰۰ میلیون مسلمان را به خود جذب کرده است.^۳

۳. مکتوبات طریقت تجانیه

از شیخ احمد تجانی کتاب یا نوشته‌ای که منسوب به او باشد برجای نمانده است؛ اما از پیروان و خلفای او آثار ارزشمندی در دست است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره

۱. همان، ص ۱۱۰.

۲. الدخیل لله، ص ۷۰.

۳. جهت اطلاع بیشتر نک: الراضی کنون الحسنی الادیسی، محمد، *الفهرس الشامل لمؤلفات الطریقه التجانیه*، در: www.cheikh-skiredj.com؛ الزوبی، ممدوح، *الطرق الصوفیه ظروف النشأة و طبیعه الدور*، دمشق، نشر الاهالی، ۲۰۰۴م، صص ۱۹۸-۱۹۹؛ وزین، علیرضا، «فرقه تیجانیه در کشور غنا» چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، شماره دوم، مرداد ماه ۸۲، ص ۱۸.

می‌کنیم:^۱

۱- *جواهر المعانی و بلوغ الامانی فی فیض سیدی ابی العباس التجانی*، از ابو الحسن حاج علی بن عربی براده مغربی فاسی، از مهم‌ترین کتاب‌های این طریقت که در زمان حیات شیخ احمد تجانی، در فاصله ۱۲۱۳ تا ۱۲۱۴ق، در شش باب نگاشته شد. در این کتاب نویسنده به شرح احوالات و ویژگی‌های علمی و اخلاقی احمد تجانی پرداخته و به طور مفصل آداب طریقتی تجانیه و اذکار و اوراد این طریقه را بیان کرده است؛ ۲- *رماح حزب الرحیم علی نحور حزب الرحیم*، تألیف عمر بن سعید الفوتی طوری کدوی شامل یک مقدمه و پنجاه و پنج فصل و یک خاتمه. در این کتاب به مسائلی همچون آداب ورود به طریقت، اذکار و اوراد طریقت، فضیلت اصحاب و مریدان تجانی و نیز وجه تسمیه طریقت به احمدیه، محمدیه، ابراهیمیه، حنفیه و تجانیه آمده است. این کتاب در حاشیه کتاب *جواهر المعانی و بلوغ الامانی* در ۱۳۸۰ق به همت مصطفی حلبی در کشور مصر به چاپ رسیده است؛ ۳- *الافاده الاحمدیه*، از حاج طیب سفیانی. او در این اثر شنیده‌ها و سخنان شیخ احمد را جمع آورده است. این کتاب به تحقیق محمد حافظ تجانی و با مقدمه‌ای او به چاپ رسیده است؛ ۴- *بغیه المستفید شرح منیه المرید*، محمد عربی سائح شرقی عمری تجانی، که آن را در شرح منظومه احمد التجانی (سروده ابن بابا الشنقیطی العلوی) نگاشته شده است. او در مقدمه این اثر به منشأ این طریقت و در ادامه به شرح ابیات این منظومه پرداخته است و در خاتمه کتاب اشاره دارد به فضیلت استغفار، صلوات بر پیامبر، قیام به نماز شب و ذکر لاله الا الله. این نوشته توسط مصطفی البابی الحلبی در کشور مصر، سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است؛ ۵. *میزاب الرحمه الربانیه فی التریبه بالطریقه التجانیه*، از عبیده بن محمد الصغیر بن ابوجه شنقیطی تیشیتی، شامل یک مقدمه، پنج باب و یک خاتمه، در بیان شخصیت، سیره، اخلاقیات، اوراد و اذکار احمد تجانی؛ ۶- *الدرة الخریده علی الیاقوته الفریده*، این کتاب شرحی است بر مجموعه ابیاتی با عنوان *الیاقوته الفریده* که در مدح و شأن طریقت تجانیه سروده شده است. اصل این منظومه در سال ۱۳۱۶ق در پانصد و پنجاه و پنج بیت سروده شد، و سپس محمد فتح ابن عبدالواحد سوسی نظیفی، نویسنده *الدرة*

۱. رک: الدخیل الله، صص ۷۸-۷۵.

الخبریده، در تاریخ ۱۳۱۹ق، آن را شرح کرد؛ و همچنین به ذکر اوراد و کرامات شیخ احمد تجانی نیز پرداخت.

۴. مهم ترین اعتقادات طریقت تجانیہ

مهم ترین اعتقادات خاص پیروان طریقت تجانیہ عبارت است از: امکان رؤیت پیامبر اکرم (ص) در بیداری، جواز توسل و شفاعت پیامبر و اولیای الاهی، جواز استمداد و کمک از اولیای الاهی، اعتقاد به جایگاه والای احمد تجانی و مریدان و اتباع وی در قیامت. ایشان در رابطه با جواز رؤیت پیامبر در بیداری بر این باورند که اکمال عرفان مبتنی بر رؤیت رسول خدا در بیداری است؛ و با این زیارت، معرفت خاص و جدیدی برای عارف حاصل می شود؛ از جمله در رماح حزب الرحیم آمده است: «لا یکمل العبد فی مقام العرفان حتی یصیر یجتمع برسول الله صلی الله علیه و سلم یقظة و مشافهة»^۱.

همچنین در کتاب بغیة المستفید نیز در بیان جواز رؤیت نبی اکرم (ص) آمده است: «...منهم من یری روحه فی الیقظة متشکلة بصورته الشریفة ومنهم من یری حقیقة ذاته الشریفة و کانه معه فی حیاة صلی علیه و سلم و هؤلاء هم اهل المقام الاعلی فی رؤیته صلی الله علیه و سلم».

در اعتقادات طریقت تجانیہ در رابطه با عالم قیامت سه باور دینی منحصر به فرد دیده می شود که موجب ایجاد یک مرزبندی و تمایز ویژه ای با دیگر طریقت های صوفیه شده است. اول اعتقاد به اینکه پیامبر مکرم اسلام (ص) بهشت را برای شیخ احمد تجانی و کلیه اتباع او ضمانت فرموده است؛ دوم اینکه اگر کسی توفیق زیارت شیخ را پیدا کند بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شود؛ و سوم اینکه پیروان تجانیہ در روز آخرت از کرامت و جایگاه ویژه ای برخوردارند که در کتاب رماح حزب الرحیم ۳۹ ویژگی آمده است^۲ که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- با ایمان از دنیا می روند؛ ۲- اینکه از سكرات موت در امان اند؛ ۳- از عذاب الاهی در امان بوده و وارد در بهشت می شوند؛ ۴- فشار قبر ندارند؛ ۵- تمامی گناهان آنان، ما تقدم و ما تاخر، بخشیده می شود؛ ۶- خداوند ضامن

۱. الفوتی، عمر بن سعید، رماح حزب الرحیم علی محور حزب الرحیم، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. در کتاب الفتح الربانی، ص ۷۲ این عدد به چهل رسانده شده است.

تمامی حقوق آنها است؛ ۷- از سؤال و جواب حشر در امان اند؛ ۸- در قیامت زیر عرش الاهی جای می گیرند؛ ۹- عبور سریع از صراط دارند؛ ۱۰- از حوض کوثر سیراب می شوند؛ ۱۱- بدون حساب، بهشتی اند؛ ۱۲- در علیین و جنات فردوس جای دارند؛ ۱۳- پیامبر اکرم (ص) ایشان را دوست دارند؛ ۱۴- نمی میرد مگر آنکه به مقام ولی دست یابند. به علاوه معتقدند اصحاب شیخ احمد اصحاب پیامبرند؛ و آزار آنها، آزار رسول خداست؛ و پیامبر اکرم (ص) هنگام احتضار و هنگام سؤال نکیر و منکر حضور می یابند؛ و همچنین معتقدند مهدی موعود از اهل این طریقت است.^۱

۵. تعالیم عرفانی طریقت تجانیه

در آثار و کلمات بر جای مانده از شیخ احمد تجانی و پیروان او گرچه نوآوری و نظریه پردازی خاصی در باب مباحث نظری عرفان دیده نمی شود؛ لیکن دلبستگی به اصول و مبانی رایج در سنت نظری عرفان همچون وحدت وجود، فنا و مسأله خاتمیت ولایت، مشهود است؛ که به اختصار به برخی از این دیدگاهها اشاره می شود.

۱.۵. وحدت وجود

در *جوهر الکلام* آمده است که عارفان اهل ذوق در اعیان موجودات عالم چیزی جز سراب نمی بینند؛ و در ذوات وجود فقط تجلی اسمایی حق تعالی را مشاهده می کنند؛ و معتقدند که عالم جز تجلی اسمایی و صفاتی حق تعالی نیست؛ ظاهر و صور موجودات در حقیقت ظهور حق تعالی به صور غیر است؛ که محجوبان در ظاهر موجودات از مطالعه حق تعالی محجوب می مانند.^۲ به اعتقاد آنان تمامی موجودات مراتب حق تعالی هستند و این حقیقت را فقط کسانی که عارف به حقیقت وحدت وجوداند می دانند. وجود عین واحده ای است که کثرت اجناس و انواع آن، موجب تجزیه آن نمی شود؛ و وحدت آن نیز مانع عدم افتراق

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به حسنین، *الفتح الربانی* صص ۷۴-۷۰؛ الشنقیتی، احمد، *الفتوحات الربانیة فی الطریقة الاحمدیة التجانیة*، بیروت، المکتبه الثقافه، بی تا، صص ۱۰۰-۹۸؛ حرازم، علی، *رسالة الفضل و الامتنان*، در: www.cheikh-skiredj.com، ص ۹.

۲. حرازم، ج ۱، ص ۲۵۹.

اشخاص در نتیجه احکام نیست. عارفان در توضیح این مطلب تعبیر کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت را به کار برده‌اند.^۱ از همین رو، هر عابد و ساجد بر غیر حق تعالی در ظاهر غیر حق تعالی را عبادت و بر او سجده می‌کند؛ در حالی که جز حق تعالی را عبادت و سجده نمی‌کند؛ زیرا حق تعالی است که در لباس موجودات تجلی کرده است؛ و همه معبودها نیز فقط خداوند تعالی را سجده و عبادت می‌کنند.^۲

۲.۵. فنا

شیخ احمد تجانی در مسأله فنا همچون بسیاری از اهل تصوف معتقد است که انسان در قرب به حق تعالی به مقامی دست می‌یابد که در آن چیزی جز خدا مکشوف او نیست و انانیتش زائل می‌شود. به اعتقاد او شیخ واصل کسی است که در کمال نظر به حضرت الهیت، که نظری عینی و تحقیقی یقینی است، تمامی حجاب‌ها برایش مرتفع می‌شود. به گفته او این مقام سحر و محق و فنای فناست؛ که عارف در این مقام حق را در حق برای حق و به وسیله حق می‌شناسد؛ و در حقیقت به جز حق تعالی کسی باقی نمی‌ماند و نه موصولی است و نه واصلی.^۳ وصول به این مقام نیز دو مراتب و به ترتیب عبارت است از: ذهول از اکوان؛ سکر؛ غیبت؛ فنایی که با شعور از فنا همراه است؛ و سپس فنای از فنا؛ که در این مرتبه او نه حساً و نه شعوراً و نه اعتباراً چیزی را درک نمی‌کند؛ «و فلم یبق الا الحق بالحق للحق فی الحق»؛ این مرتبه، «مقام الفتح» و «بدایت» یعنی بدایت معرفت است و صاحب این مقام چون از سکر خود برخیزد ترقی و الصعود در مقامات را تا ابد می‌پیماید.^۴ ایشان با اشاره به ورود عارف به صقع ربوبی پروردگار به این مطلب اشاره می‌کند که نیل به این درجه برای کسی حاصل می‌شود که هر گونه انانیت و خودبینی از او رخت بر بندد و بدون حجاب به شهود و نظاره حق بنشیند؛ و از آنجا که حضرت قدسیت در غایت صفا است و هیچ گونه تلوث را نمی‌پذیرد هر آن کس که در آن حضرت داخل شود وجودش

۱. همان، ج ۲، ص ۹۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۵؛ نیز نک: الدخیل الله، صص ۸۷-۸۸.

۳. حرازم، ج ۱، ص ۱۶۰.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۹۱.

غایب می‌شود و فقط الوهیت محض باقی می‌ماند و در این حالت هر گونه نطق و عقل و وهم و حرکت و سکون و رسم و کیفیت و این و حدّ و علم محو می‌شود و به همین مناسبت است که برخی از عارفان می‌گویند: «لا اله الا انا سبحانی ما اعظم شانی»؛ به دلیل آنکه او در حقیقت مترجم حق تعالی است.^۱

۳.۵. آداب طریقتی تجانیه

در کتب تجانیه و در باب شرایط و آداب ورود به طریقت مطالب متنوع و مختلفی بیان شده که برخی ناظر به بیان شروط عمومی ورود به طریقت و برخی دیگر مربوط به شروط اوراد و اذکار و نیز تقسیمات آنها است. عمر الفوتی نویسنده کتاب *رماح حزب الرحیم*، شرایط بیست و سه گانه‌ای را برای طریقت بر شمرده و اضافه می‌کند که بیست و یک عدد از این شروط لازمه طریقت و الباقی شرط کمال است.^۲ در حالی که در *الفتح الربانی* این شروط به گونه‌ای دیگر بیان شده است. محمد بن عبدالله بن حسنین چهل شرط را برای پیروان این طریقت بیان کرده و معتقد است که همه این شرایط مبتنی بر کتاب و سنت است. این شروط برخی لازم و برخی دیگر شرط کمال‌اند؛ و همچنین برخی از آنها مربوط به شخص و برخی دیگر مربوط به اورادند؛^۳ که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

(۱) شروط کمالیه شخصیه که شامل بیست شرط است و التزام به آنها برای تشریف به طریقت لازم و ضروری است.

۱- مرید تجانی در انتخاب شیخ به کسی مراجعه کند که سلسله مشایخ او به شیخ احمد تجانی متصل احراز شده باشد؛ ۲- مرید بر اقامه نمازهای پنجگانه خود ملتزم باشد و حتی الامکان آنها را به جماعت بخواند؛ ۳- مرید در تمامی نمازهای خود «بسم الله الرحمن الرحیم» گفته و نمازهای جهریه را بلند بخواند؛ ۴- مرید هنگام رکوع و سجود به هنگام ذکر طمانینه داشته باشد؛ ۵- مرید اهل تهجد و بیداری سحر باشد ولو به قدر خواندن دو

۱. حرازم، ج ۲، ص ۲۰؛ نیز نک: عربی تجانی، محمد، *بغیه المستفید بشرح منیه المرید*، ص ۱۰۷؛ محمد بن عبدالله بن حسنین، ص ۱۸.

۲. الفوتی، عمر بن سعید، *رماح حزب الرحیم علی نحور حزب الرجیم*، ص ۱۲۰.

۳. محمد بن عبدالله بن حسنین، ص ۳۵.

رکعت نماز؛ ۶- مرید مداومت بر نوافل داشته باشد؛ ۷- مرید در تمامی رفتار خود صادق بوده و از دروغ بپرهیزد؛ ۸- مرید نسبت به پدر و مادر خود مهربان باشد و به آنها نیکی کند؛ ۹- مرید کمال محبت و علاقه خود را نسبت به شیخ ابراز و بر این محبت پایداری کند؛ ۱۰- مرید نسبت به منتسبان به شیخ و اهل طریقت کمال احترام را داشته باشد؛ ۱۱- مرید هیچ گونه اذیت و آزاری نسبت به برادران خود در طریقت روا ندارد؛ ۱۲- مرید نسبت به تمامی اولیا نهایت تعظیم و احترام را داشته باشد؛ ۱۳- مرید ضمن خیر خواهی نسبت به خلق خدا، باید ارتباط خود را با آنها قطع نکند؛ ۱۴- مرید از معاشرت و مجالست با دشمنان شیخ پرهیز کند و دوست خود را از دوست داران او برگزیند؛ ۱۵- اینکه مرید در مقابل کلمات و گفته‌های شیخ تسلیم محض باشد؛ ۱۶- مرید هر گونه اعتراض و انتقاد علیه شیخ را قولاً و عملاً ترک کند؛ ۱۷- مرید هیچ‌گاه از مکر خدا، خویش را در امان نبیند؛ ۱۸- مرید دیگران را از اوراد طریقتی خویش آگاه نسازد؛ ۱۹- مرید اذکار و اوراد خود را در وقت آن به جا آورد و نسبت به آن بی تفاوت نباشد؛ ۲۰- مرید بدون اجازه شیخ اقدام به تلقین ورد نکند که در این صورت دچار سوء عاقبت خواهد شد.^۱

(۲) شروط لازم شخصی که عبارت است از شروطی که مرید باید بعد از اخذ طریقت از شیخ خود ملتزم به آن باشد و ترک آنها خروج از طریقت تلقی می‌شود. این شروط بر سه قسم و عبارت است از: ۱- مرید بعد از تلقی طریقت از شیخ هر گونه تعلق و وابستگی به اولیا و صالحان در غیر این طریقت را قطع و زیارت آنها چه هنگام حیات و چه بعد از وفاتشان را ترک کند؛ ۲- مرید بیعت هر شیخ دیگری غیر از مشایخ طریقت بر گردن او نباشد و تمامی اوراد و اذکار آنها را کنار گذاشته و ملتزم به آداب طریقت شود؛ ۳- مرید بعد از تلقین ورد از طرف شیخ اجازه مداومت بر ورد داشته باشد و آن را ترک نکند. در نصوص تجانیه آمده است که ترک ورد از جمله مواردی است که موجب قطع ارتباط مرید با طریقت می‌شود.^۳

۱. رک: محمد بن عبدالله بن حسین، صص ۴۰-۳۵؛ علوی سنجی، احمد بن بابا، منیة المرید، صص ۴۵-۴۰.

۲. «قال فی جواهر المعانی اعلم ان هذا الورد العظیم لایلقن لمن له ورد من اوراد المشایخ رضی الله تعالی عنهم الا ان ترکه و انسلخ عنه و لایؤود الیه ابدًا»، همان، ص ۴۶.

۳. رک: همانجا.

۳) اذکار و اوراد. شیخ احمد تجانی سه ورد را از اوراد لازم و ضروری این طریقت می‌داند و مدعی است که این اذکار از سوی پیامبر مکرم اسلام (ص) به او تلقین شده است که این اذکار عبارت است از: ۱۰۰ مرتبه ذکر استغفار؛ ۱۰۰ مرتبه ذکر صلوات بر رسول الله (ص) و ۱۰۰ مرتبه ذکر تهلیل. او معتقد است در ذکر صلوات مبتدی باید به گفتن صیغه صلوات، یعنی «اللهم صل و سلم علی سیدنا محمد و علی آله» اکتفا کند؛ و متوسطان در طریقت به جای آن باید بگویند: «اللهم صل علی سیدنا محمد عبدک و نبیک و رسولک النبى الامى و علی آله و صحبه و سلم تسلیما»؛ و اگر مرید در درجه‌ای مطلوب از فضل و کمال باشد به صلوات فاتح مشغول شود؛ یعنی بگوید: «اللهم صل علی سیدنا محمد، الفاتح لِمَا أُغْلِقَ، وَالْخَاتِمَ لِمَا سَبَقَ، نَاصِرَ الْحَقِّ بِالْحَقِّ، وَالْهَادِيَ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ، وَعَلَى آلِهِ حَقٌّ قَدْرُهُ وَمِقْدَارُهُ الْعَظِيمِ».^۱

شایان ذکر است که ایشان وقت این اذکار را بعد از نماز صبح تا ظهر و بعد از نماز

عصر تا وقت نماز عشا می‌داند.^۲

از جمله اوراد و اذکار دیگری که در این طریقت بدان اهمیت داده و از لوازم سلوک شمرده شده است ذکر روز جمعه است که بر این اساس مرید باید بعد از نماز عصر به ذکر «لا اله الا الله» پردازد و این ذکر را همچنان تا غروب ادامه دهد. همچنین لازم است مرید در این حالت، طهارت مائیه (وضو - غسل) داشته باشد؛ لیکن در تلقین این ذکر عدد خاصی لحاظ نشده است. تجانیه بر این باورند که صحیفه اعمال در آخر هر هفته به خداوند عرضه و با این عمل اول و آخر نامه اعمال مزین و معطر به ذکر تهلیل می‌شود.^۳

اوراد و اذکار روزانه در این طریقت عبارت است از: در هر روز (صبح یا شب) ۳۰ مرتبه «استغفر الله العظيم الذى لا اله الا هو الحى القيوم»؛ ۵۰ مرتبه صلوات فاتح؛ ۱۰۰ مرتبه «لا اله الا الله» و ۱۲ مرتبه ذکر جوهره الکمال را بگوید که عبارت است از: «اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَيْنِ الرَّحْمَةِ الرَّبَّانِيَّةِ وَالْبَيَاقُوتَةِ الْمُتَحَقِّقَةِ الْحَائِطَةِ بِمَرْكَزِ الْفَهْمِ وَالْمَعَانِي، وَتُورِ الْأَكْوَانِ الْمُتَكَوِّنَةِ الْأَدْمَى صَاحِبِ الْحَقِّ الرَّبَّانِي، الْبَرْقِ الْأُسْطَعِ بِمُزُونِ الْأَرْبَاحِ الْمَالِئَةِ لِكُلِّ مُتَعَرِّضٍ مِنْ

۱. نیاس الكوخى، ابراهيم عبدالله، البيان والتبيين عن التجانية و التجانيين، ص ۴.

۲. حرازم، ص ۹۱.

۳. جوسقى، السر الابهر فى اوراد القطب الاكبر، ص ۱۳۲.

الْبُحُورِ وَالْأَوَانِي، الْبَرْقِ الْأَسْطَعِ بِمُزُونِ الْأَرْبَاحِ الْمَالِئَةِ لِكُلِّ مُتَعَرِّضٍ مِنَ الْبُحُورِ وَالْأَوَانِي، اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَيْنِ الْحَقِّ الَّتِي تَتَجَلَّى مِنْهَا غُرُوشُ الْحَقَائِقِ عَيْنِ الْمَعَارِفِ الْأَقْوَمِ صِرَاطِكَ النَّامِ الْأَسْقَمِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى طَلْعَةِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ الْكَنْزِ الْأَعْظَمِ إِفَاضَتِكَ مِنْكَ إِلَيْكَ إِحَاطَةَ النُّورِ الْمُطْلَسَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، صَلَاةٌ تُعَرِّفُنَا بِهَا إِيَّاهُ»^۱.

اذکاری چون: «استغفار الخضر»^۲ «دعاء رویتہ صلی اللہ علیہ و سلم یقظہ بعد موتہ»^۳

«صلاة رفع الاعمال»؛^۴ از جمله اذکاری هستند که در طریقت تجانیہ بدانها اهمیت داده می شود.

۶. نتیجه

آنچه در جهت بیان علت جدایی و تأسیس طریقتی مجزا به نام تجانیہ می توان برشمرد، دو عامل اساسی است. یکی شخصیت متفاوت و تأثیرگذار احمد تجانی و دیگری عقاید و مبانی سلوکی است که رهروان این طریقت معتقداند و به شیخ احمد تجانی نسبت داده اند. همان طور که بدان اشاره شد مبنای ایجاد این طریقت بر اساس رؤیایی است که شیخ احمد تجانی در آن مأمور به دستگیری و ایجاد طریقتی خاص و با عقایدی ویژه شد. همچنین در بیان عقاید منحصر به فرد این طریقت در بین طریقت های عامه این گونه باید گفت که وی زیارت و ارتباط مریدان خود با هر صوفی و شیخ دیگری از طریقت های صوفیه را به منزله

۱. التجانی، احمد بن محمد، الاحزاب و الاوراد اللازمة والاختیاریه للطریقه التجانیه، ص ۴.

۲. عبارت است از: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، تُبِتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ غَدَتُ فِيهِ. وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا وَعَدْتُكَ بِهِ مِنْ نَفْسِي، ثُمَّ لَمْ أَوْفِ لَكَ بِهِ. وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ عَمَلٍ، أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ، فَخَالَطَنِي فِيهِ غَيْرُكَ. وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، فَاسْتَعْنْتُ بِهَا عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ. وَأَسْتَغْفِرُكَ يَا عَالَمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ فِي ضِيَاءِ النَّهَارِ، أَوْ سَوَادِ اللَّيْلِ، فِي مَلَأٍ أَوْ خَلَاءٍ، أَوْ سِرٍّ أَوْ عَلَانِيَةٍ، يَا حَلِيمٌ.

۳. عبارت است از: اللَّهُمَّ اجْمَعْ جَمِيعَ أَذْكَارِ الذَّاكِرِينَ، وَجَمِيعَ صَلَوَاتِ الْمُصَلِّينَ، وَاجْعَلْ لِي جَمِيعَ الْأَذْكَارِ ذِكْرِي، وَجَمِيعَ الصَّلَوَاتِ صَلَاتِي، عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ شَفِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَى آلِهِ الْأَبْحَرِ الْكَامِلِينَ. عَدَدَ مَا فِي عِلْمِكَ يَا رَبِّ.

۴. عبارت است از: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، عَدَدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ. وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، كَمَا يُنْبَغِي لَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ. وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، كَمَا أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ.

خروج از طریقت دانسته است. وی معتقد است مرید با تشرف به طریقت، به سعادت اخروی نایل شده و هیچ گناهی وی را از این مقام ساقط نخواهد کرد.

منابع

- تجانی، احمد بن محمد، الاحزاب و الاوراد اللازمة و الاختیاریه للطریقه التجانیة، بی جا، بی تا.
- جوسقی، النفحة القدسیة فی سیرة الاحمدیة التجانیة، مکتبه الثقافة، بی جا، بی تا.
- جوسقی، محمد علوان بن حسنین، السر الایهر فی اوراد القطب الاکبر سیادی احمد التجانی، مکتبه الثقافة، بیروت، بی تا.
- حرازم، علی، جواهر المعانی و بلوغ الامانی فی فیض سیادی احمد التجانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷م/۱۴۱۷ق.
- همو، رساله الفضل و الامتثال، در: www.cheikh-skiredj.com
- الدخیل الله، علی بن محمد، التجانیة، دارالطیبه، ریاض، بی تا.
- الزوبی، ممدوح، الطرق الصوفیه ظروف النشأة و طبیعة الدور، نشر الاهالی، ۲۰۰۴م، دمشق.
- سکریج، احمد بن العیاشی، کشف الحجاب عن تلاقی مع الشیخ التجانی من الاصحاب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۹م/۱۴۲۰ق.
- الشنقیطی، احمد، الفتوحات الربانیة فی الطریقه الاحمدیة التجانیة، المکتبه الثقافة، بیروت، بی تا.
- عربی التجانی، محمد، بغیة المستفید بشرح منیه المرید، تصحیح عقیل سعید محمود، دارالجیل، بیروت ۲۰۰۵م.
- علوی سنجیطی، احمد بن بابا، منیه المرید، تحقیق و تصحیح محمد الراضی کنون الحسنی، بی جا، بی تا.
- الفتوی، عمر بن سعید، رماح حزب الرحیم علی نحور حزب الرجیم، در حاشیه جواهر المعانی و بلوغ الامانی، مکتبه الکلیات الازهریة، بی جا، ۱۳۹۷.
- محمد بن عبدالله بن حسنین، الفتح الربانی فیما یتحتاج الیه المرید التجانی، المکتبه الثقافة، بیروت، بی تا.
- مخلوف، قاسم، شجرة نور الذکیه فی طبقات المالکیه، تعلیق و حواشی عبدالمجید خیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- موید العقیبی، صلاح، الطرق الصوفیه والزوايا بالجزائر، بیروت، دارالبراق، ۲۰۰۲م.
- نیاس الکوخی، ابراهیم عبدالله، البیان والتبیین عن التجانیة و التجانیین، در: الموقع الکترونی التجانی www.tariqa-tijaniyya.es
- وزین، علیرضا، «فرقه تیجانیة در کشور غنا»، چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره دوم، مرداد ماه ۸۲.